

مقایسه کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس

محمد جواد ساعی^۱

محمود لاری^۲

فرامرز رضائی^۳

چکیده

بر اساس تئوری‌های مالی با توجه به الزامات قانونی و ویژگی‌های متفاوت بورس و فرابورس، انتظار می‌رود کیفیت گزارشگری خصوصاً شرکت‌های آنها خصوصاً در سال‌های پذیرش متفاوت باشد. لذا در این تحقیق به مقایسه کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی می‌پردازیم. شایان ذکر است برای سنجش کیفیت گزارشگری از مدل هوپ و همکاران (Hope, 2013) استفاده شده است. همچنین نمونه مورد بررسی شامل ۱۹۴ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۲ می‌باشد.

نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون من ویتنی بیانگر این امر است که تفاوت معناداری بین میانگین کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی، قبل و بعد از واگذاری وجود ندارد. همچنین نتایج به دست آمده در خصوص مقایسه کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی با شرکت‌های اخراج شده از بورس بر اساس ماده ۹۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، بیانگر این امر است که تفاوت معناداری بین کیفیت گزارشگری این دو گروه از شرکت‌ها وجود ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت گزارشگری، اقلام تعهدی، واگذاری شرکت‌ها، کیفیت سود

طبقه‌بندی موضوعی: G22, M41, M42

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

۱- مقدمه

معیارسنجش عملکرد شرکتها همواره به عنوان چالشی با اهمیت برای تحلیلگران مالی مطرح بوده و آنها رویکردهای مختلف و معیارهای متفاوتی را در این زمینه عرضه کرده‌اند. یکی از این رویکردها سود حسابداری بوده است. این سود که مبتنی بر ارزش‌های تاریخی است همواره با انتقاداتی روبرو بوده است. از جمله این انتقادات می‌توان به نبود رویه‌ای روشن و مبنای تئوریک بلند مدت برای محاسبه سود حسابداری، وجود اطلاعات بهتر برای سرمایه‌گذاران و سهامداران از دیدگاه تصمیم‌گیری و وجود تفاوت چشمگیر بین سود محاسبه شده با سود واقعی (به دلیل استفاده از بهای تمام شده تاریخی) اشاره کرد (Hendriksen & Van Breda, 2002).

در کنار این انتقادات، باید به این نکته اشاره کرد که سود حسابداری مبتنی بر برآوردهای ذهنی است. این امر باعث شده تا از عینیت سود کاسته شده و کیفیت سود پایین بیاید. در ادبیات حسابداری از برآوردهای مزبور به عنوان اقلام تعهدی یاد می‌شود که عمده آنها براساس قضاوت‌های شخصی برآورد می‌شوند. اقلام تعهدی در واقع باعث تغییر موازنه موجود بین قابلیت اتکا و مربوط بودن در گزارشگری مالی شده است. در واقع اقلام تعهدی نشان دهنده منافع و بدهی‌های آتی هستند که افشاء آنها بر میزان مربوط بودن صورتهای مالی می‌افزاید و اندازه‌گیری ذهنی آنها باعث کاهش قابلیت اتکای صورتهای مالی می‌شود.

از این رو هرگونه تحقیق در زمینه نحوه اثرگذاری اطلاعات حسابداری بر طیف وسیع تصمیم‌گیرندگان ذینفع در شرکت‌ها، به درک بهتر از چگونگی نقش این اطلاعات و ضرورت افشای بیشتر و بهتر آنها کمک می‌کند. از آنجا که سهامداران و بستانکاران دو گروه اصلی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی‌اند و فراهم آوردن اطلاعات مربوط و قابل اتکا برای این دو گروه، از دغدغه‌های اصلی مدیریت و سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری به شمار می‌رود، توجه به کیفیت اطلاعات تهیه شده برای این دو گروه ضرورتی خاص دارد (ثقفی و عرب مازار، ۱۳۸۹).

در سال‌های اخیر مطالعات بسیار زیادی در زمینه بررسی ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی یا سطوح افشا در گزارش‌های سالانه و ویژگی‌های شرکت انجام شده است. بررسی گزارش‌های سالانه شرکت‌ها نشان می‌دهد کیفیت اطلاعات افشا شده در چنین گزارش‌هایی متفاوت است و تفاوت در افشای شرکت‌ها به احتمال زیاد در نتیجه تفکر مدیریت و فلسفه فکری آنها و همچنین صلاحدید آنان در مورد افشای اطلاعات برای مقاصد سرمایه‌گذاری است (Hope, et al., 2013).

همانگونه که در قسمت بعد تشریح خواهد شد، دو فرضیه در رابطه با عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. فرضیه "تقاضا" که به انگیزه شرکتها برای فراهم کردن اطلاعات مالی برای برآورده نمودن تقاضای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان اشاره می‌کند و در مقابل فرضیه "رفتار فرصت طلبانه" که بر انگیزه مدیران جهت دستکاری اطلاعات دلالت می‌کند. همانگونه که ملاحظه می‌گردد انگیزه‌های مطرح در هر دو فرضیه به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی و جو حاکم بر نحوه تفکر و فلسفه فکری شرکت و مدیریت آن می‌باشد.

بطور کلی فضای تجاری و محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند را می‌توان با توجه به الزامات، محدودیت‌ها، تسهیلات و سایر شرایط به چند دسته تفکیک و با توجه به تأثیر شرایط بر انگیزه و تفکرات شرکت و مدیران آن، شرکت‌های هر دسته را از لحاظ کیفیت گزارشگری مالی مورد مقایسه قرار داد.

در ایران می‌توان شرکت‌های انتفاعی و غیر دولتی را به شرکت‌های سهامی خاص، شرکت‌های زیر مجموعه نهادهای شبه دولتی و شرکت‌های سهامی عام که خود قابل تفکیک به شرکت‌های پذیرفته شده در بازارهای بورس و سایر شرکت‌هاست، تقسیم‌بندی نمود. با توجه به عدم وجود بانک اطلاعاتی از شرکت‌های دسته اول و دوم و همچنین شرکت‌های سهامی عام پذیرفته نشده در بازارهای بورس، در تحقیق حاضر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بازارهای بورس مورد مقایسه قرار می‌گیرد. برای این منظور میزان کیفیت گزارشگری مالی دوره‌های منتهی به پذیرش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس با شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس مقایسه می‌شود. ضمن اینکه تأثیر پراکندگی مالکان بر کیفیت گزارشگری شرکت‌های مزبور پس از پذیرش نیز مورد آزمون قرار می‌گیرد. همچنین در این تحقیق کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های اخراج شده از بازارهای بورس و فرابورس در دوره‌های منتهی به اخراج با کیفیت گزارشگری شرکت‌های فعال در بازار مقایسه شده است.

۲- مبانی نظری و بسط فرضیه های تحقیق

در ایران دلایل و پیامدهای تغییرات در کیفیت گزارشگری مالی بطور نسبتاً گسترده‌ای برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. رحمانی و غلامزاده (۱۳۸۸) نشان دادند محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌ها پس از درج نام آنها در فهرست شرکت‌های بورسی کاهش می‌یابد که این کاهش محافظه‌کاری به مثابه کاهش کیفیت

گزارشگری مالی آنها می‌باشد. مدرس و حصارزاده (۱۳۸۷) نشان دادند که سطح کیفیت گزارشگری مالی با سطح کارایی سرمایه‌گذاری رابطه معنادار و مثبتی دارد و کیفیت بالاتر گزارشگری مالی موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری می‌گردد. فخاری و تقوی (۱۳۸۸) نشان دادند کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری با نقد و معادل‌های نقدی دارد. لیکن در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس و مقایسه آن با شرکت‌های بورسی و دلایل مربوط به تفاوت احتمالی بین دو گروه مذکور تحقیقی انجام نشده است. این در حالی است که در حال حاضر بالغ بر ۹۰ شرکت در فرابورس پذیرفته شده و ارزش بازار آن ۶۳۹ هزار میلیارد ریال می‌باشد. که با توجه به مطالب ذکر شده، انجام تحقیقی در خصوص ارزیابی کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده به سرمایه‌گذاران در این بخش ضروری به نظر می‌رسد.

همانگونه که در قسمت قبل اشاره شد دو فرضیه در رابطه با عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. فرضیه "رفتار فرصت طلبانه" و فرضیه "تقاضا". براساس "فرضیه رفتار فرصت طلبانه"، چنانچه مدیران شرکت‌ها به هر شکلی برای دستیابی به عملکردهای خاص و نیز حفظ منافع خود، تحت فشار باشند، در فرآیند محاسبه سود دخالت می‌کنند. پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که مدیریت سود بوسیله شرکت‌ها، عموماً با انگیزه‌های بازار مرتبط می‌باشد. هوپ و همکاران (Hope, et al., 2013)، نشان دادند که مدیران شرکت‌هایی که در معرض فشارهای بازار سرمایه برای برآورده نمودن پیش‌بینی‌های سود هستند و همچنین پاداش آنها بر اساس عملکردشان در بازار سهام می‌باشد، انگیزه بالایی برای اقدامات دستکاری کننده سود داشته و کیفیت ارقام تعهدی این شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین گراهام و همکاران (Graham, et al., 2005)، نشان دادند که شرکت‌های سهامی عام در معرض فشارهای بازار سرمایه قرار دارند، که این امر انگیزه آنان را برای دستکاری ارقام تعهدی جهت دستیابی به اهداف سود، افزایش می‌دهد.

مقایسه برخی از الزامات پذیرش در بورس و فرا بورس نشان می‌دهد که در دوره‌های منتهی به پذیرش، مدیران شرکت‌های بورسی نسبت به شرکت‌های فرابورسی در معرض فشارهای بیشتری برای تحقق الزامات و شرایط تعیین شده، قرار دارند. لذا می‌توان انتظار داشت که مدیران شرکت‌های بورسی در دوره‌های قبل از پذیرش از انگیزه‌های بیشتری برای دستکاری سود برخوردار هستند.

اطلاعات مقایسه‌ای برخی از الزامات پذیرش در بورس و فرابورس به شرح ذیل می باشد:

فرا بورس		بورس			
بازار دوم	بازار اول	بازار دوم	بازار اول		
			تابلو اصلی	تابلو فرعی	
-	-	مثبت	مثبت	مثبت	مجموع جریان خالص وجه نقد ناشی از فعالیتهای عملیاتی طی دو دوره منتهی به پذیرش
-	۱	۱	۲	۳	توالی سودآوری منتهی به پذیرش
-	۱۵	۱۵	۲۰	۳۰	حداقل نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها

بر اساس مطالب فوق فرضیه شماره ۱ به صورت زیر تدوین گردید:

فرضیه ۱: کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در دوره های منتهی به پذیرش

نسبت به شرکتهای پذیرفته شده در فرابورس پایین تر است.

از طرف دیگر، بر اساس فرضیه تقاضا، انگیزه شرکت‌ها برای فراهم نمودن تقاضای اطلاعاتی سرمایه گذاران و اعتباردهندگان، بدلیل داشتن پراکندگی بیشتر مالکان، فاصله بیشتر مدیران و مالکان و مالکیت مدیریتی کم تر و بطور کلی هزینه‌های نمایندگی بیش تر، افزایش می‌یابد (Hope, et al., 2013). به بیان دیگر، صاحبان و سهامداران شرکت‌هایی با پراکندگی مالکیت و هزینه‌های نمایندگی بیشتر، نسبت به افشای اطلاعات کافی برای اهداف کنترلی فشارهایی را وارد می‌کنند (اوسا، ۱۹۸۸).

همچنین استیگلر (Stigler, 1961) بیان کرد که با توجه به امکانات اقتصادی در تولید و ذخیره اطلاعات، شرکت‌های بزرگ به طور نسبی تمایل به صرف منابع بیشتری برای تولید اطلاعات دارند و افشای اطلاعات در شرکت‌های بزرگ بیشتر از شرکت‌های کوچک است. چن و همکاران (Chen, et al., 2011) نشان دادند که در شرکت‌های سهامی خاص، تقاضا برای گزارشگری مالی کمتر است. در این شرکت‌ها تأمین کنندگان اصلی سرمایه اغلب دسترسی داخلی به اطلاعات شرکت دارند و

عموما نقش پرننگی را در مدیریت بازی می کنند. همچنین سجادی و جعفری (۱۳۸۸) نشان دادند که اندازه شرکت (تعداد کارکنان)، رابطه مثبت و معنا داری با کیفیت گزارشگری مالی دارد.

مقایسه برخی از الزامات پذیرش در بورس و فرابورس، که عدم رعایت آنها پس از پذیرش منجر به تعلیق و لغو پذیرش نیز می شود نشان می دهد که پراکندگی مالکیت در شرکت های بورسی و به تبع آن هزینه های نمایندگی بیشتر از شرکت های فرابورسی می باشد، لذا می توان انتظار داشت که تقاضا برای اطلاعات مالی در شرکت های بورسی بیشتر از شرکت های فرابورسی بوده و این دسته از شرکت ها پس از پذیرش از انگیزه بیشتری برای فراهم نمودن اطلاعات مالی جهت برآورده کردن تقاضای اطلاعاتی سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان برخوردار هستند.

اطلاعات مقایسه ای برخی از الزامات مزبور به شرح ذیل می باشد:

فرا بورس		بورس			
بازار دوم	بازار اول	بازار دوم	بازار اول		
			تابلو اصلی	تابلو فرعی	
۱	۱۰	۲۰۰	۵۰۰	۱۰۰۰	حداقل سرمایه ثبت شده (میلیارد ریال)
۵	۱۰	۱۰	۱۵	۲۰	حداقل سهام شناور
-	۲۰۰	۲۵۰	۷۵۰	۱۰۰۰	حداقل تعداد سهامداران

بر اساس مطالب فوق می توان فرضیه شماره ۲ تحقیق به شرح ذیل تدوین گردید:

فرضیه ۲: کیفیت اقلام تعهدی شرکت های پذیرفته شده در بورس پس از پذیرش نسبت به شرکت های پذیرفته شده در فرا بورس، بالاتر است.

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- کیفیت سود مبتنی بر اقلام تعهدی

ارتباطی تئوریک پیرامون رابطه اقلام تعهدی و جریان های نقدی که جنبه های ارتباط وجه نقد -سود را در بردارد و بسیاری از مشکلات رویکرد اقلام بنیادین حسابداری را برطرف نموده، نخستین بار توسط دجو و دیچو (Dechow & Dichev, 2002) در سال ۲۰۰۲ مطرح شد. از نظر آنان اقلام باقیمانده

برآورد شده از رگرسیون تغییرات در سرمایه در گردش خالص بر جریان‌های نقدی دوره قبل، دوره جاری و دوره بعد بطور جداگانه برای هر شرکت خطاهای برآورد تمام اقلام تعهدی را نشان می‌دهد و بعنوان اندازه معکوسی از کیفیت سود بشمار می‌آید. مدل اندازه‌گیری آنها نیازمند در نظر گرفتن مفروضاتی درباره اقلام بنیادین حسابداری (که مدیریت نشده‌اند) نیست و ارتباط مستقیمی میان جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی دوره جاری ایجاد می‌کند. اما میان خطاهای برآورد دستکاری نشده و مدیریت سود عمدی تفاوتی قائل نمی‌شود. از سوی دیگر در مدل مذکور چنین فرض می‌شود که اقلام تعهدی سرمایه در گردش، وجه نقد دریافتی و پرداختی را صرفاً یک دوره قبل یا دوره بعد به تعویق می‌اندازد این معیار یک رابطه مستقیم میان جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی برقرار می‌کند.

۳-۲- اندازه‌گیری کیفیت سود بر اساس مدل هوپ و همکاران (2013)

در این تحقیق برای اندازه‌گیری کیفیت سود از مدل هوپ و همکاران (Hope, et al., 2013) استفاده شده است. این مدل برگرفته از مدل دچو و دیچو (Dechow & Dichev, 2002) است. در عین حال هوپ و همکاران بر اساس تحقیقات انجام گرفته توسط فرانسیس و همکاران (Francis, et al., 2005)، بال و شیواکومار (Ball & Shivakumar, 2006) و گیولی و همکاران (Givoly, et al., 2010) تعدیلاتی را در خصوص جریان‌های نقدی منفی در این مدل انجام دادند. در عین حال زیربنای مدل کماکان مدل دچو و دیچو (2002) می‌باشد.

مدل مزبور به شرح ذیل می‌باشد:

$$\Delta WCA = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{t-1} + \beta_2 CFO_t + \beta_3 CFO_{t+1} + \beta_4 \Delta Rev_t + \beta_5 PPE_t + \beta_6 DCFO_t + \beta_7 DCFO_t * CFO_t + e_t$$

WCA: اقلام تعهدی سرمایه در گردش که از کسر تغییرات در بدهی‌های جاری (به جز تسهیلات

مالی کوتاه مدت و مالیات پرداختنی) از دارایی‌های جاری غیرنقد محاسبه می‌شود.

CFO: جریان وجه نقد عملیاتی

ΔRev : تغییرات در فروش

PPE: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

DCFO: متغیر موهومی است. در صورتی که جریان وجه نقد عملیاتی منفی باشد این متغیر یک

و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

شایان ذکر است برای هم مقیاس کردن داده‌های فوق از جمع دارایی‌ها استفاده شده است.

۳-۳- جامعه و نمونه آماری

قلمرو زمانی این تحقیق یک دوره ۷ ساله از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بوده است. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، کلیه شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بازار فرابورس و شرکت‌های مشمول مفاد بند ب ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه از سال ۱۳۸۵ به بعد می‌باشد. به دلیل تعداد کم این گونه شرکت‌ها از انجام نمونه‌گیری خودداری شده است و تنها شرکت‌های سرمایه‌گذاری و یا واسطه‌گری مالی از جامعه آماری حذف شده‌اند. شایان ذکر است نمونه تحقیق شامل ۱۱۴ شرکت بورسی، ۳۶ شرکت فرابورسی و ۴۲ شرکت مشمول ماده ۹۹ می‌شود.

۳-۴- روش آماری

در این پژوهش ابتدا کیفیت سود شرکت‌ها توسط مدل هوپ و همکاران (۲۰۱۳) برآورد شده است. سپس از آماره‌های مرکزی متغیر کیفیت سود بین شرکت‌های بورسی و سایر شرکت‌ها بررسی شده است. همچنین نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد سنجش قرار گرفته است. در مرحله بعد با توجه به نرمال نبودن داده‌های تحقیق از آزمون ناپارامتریک من ویتنی جهت مقایسه میانگین‌های مربوط به کیفیت سود شرکت‌های بورسی و فرابورسی، قبل و بعد از پذیرش استفاده شده است. همچنین کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی در مجموع با کیفیت گزارشگری شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ مقایسه شده است.

۴- یافته‌ها

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

در جدول یک آماره‌های توصیفی مربوط به کیفیت سود بین شرکت‌ها داده شده است. مقادیر میانگین و میانه در شرکت‌های بورسی بالاتر از مقادیر میانگین و میانه در شرکت‌های فرابورسی و شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ می‌باشد که بیانگر کیفیت پایین تر سود شرکت‌های بورسی است. از طرفی انحراف معیار کیفیت سود در شرکت‌های فرابورسی کمتر از شرکت‌های بورسی و شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ است.

۱. ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه به شرح ذیل است: "معاملات اوراق بهادار ثبت شده در سازمان فقط در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس دارای مجوز و با رعایت مقررات معاملاتی هر یک از آنها حسب مورد امکان پذیر بوده و معامله اوراق بهادار مذکور بدون رعایت ترتیبات فوق فاقد اعتبار است."

جدول (۱): آماره های توصیفی کیفیت سود

مقایسه کیفیت سود بین شرکت‌ها			
شرکت‌های فرابورسی	شرکت‌های بورسی	شرکت‌های مشمول ماده ی ۹۹	
۰.۳۳	۰.۴۱	۰.۳۹	میانگین
۰.۲۷	۰.۳۲	۰.۲۸	میانه
۰.۲۱	۰.۲۶	۰.۲۸	انحراف معیار
۰.۹۵	۱.۰۰	۱.۱۱	ماکزیمم
۰.۱۱	۲۰.۱	۰.۱۱	مینیمم

۴-۲-آزمون کولموگروف اسمیرنوف

در آمار استنباطی قبل از سنجش معنی داری تفاوت بین میانگین‌ها، ابتدا باید نرمال بودن نمونه انتخابی مورد سنجش قرار گیرد. سپس در صورت نرمال بودن نمونه از آزمون مقایسه میانگین نمونه‌های مستقل در صورت عدم نرمال بودن نمونه از آزمون من ویتنی استفاده خواهد شد. در جدول زیر نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف ارائه شده است:

جدول (۲): نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

کل شرکتها	بورس	فرابورس	ماده ۹۹	آماره Z
۲۸۰۸	۲۳۵۵	۱۳۶۳	۱۷۰۸	
۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۴۹	۰.۰۶	سطح معناداری

نتایج ارائه شده بیانگر این امر است که متغیر مزبور نرمال نبوده و در نتیجه از آزمون من ویتنی جهت مقایسه ی میانگین‌ها استفاده می شود.

۴-۳- نتایج آزمون فرضیه ی اول تحقیق

جدول شماره ۳ نتایج آزمون من ویتنی را برای متغیرهای تحقیق نشان می دهد.

جدول (۳): نتایج آزمون من ویتنی در خصوص فرضیه اول تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین رتبه‌ای
شرکت‌های بورسی	۹۳	۸۰.۶۹
شرکت‌های فرابورسی	۷۶	۹۰.۲۸
جمع	۱۶۹	

مشاهده می‌شود که میانگین رتبه‌ای در شرکت‌های بورسی کمتر از شرکت‌های فرابورسی است که بیانگر این امر است که کیفیت گزارشگری در شرکت‌های بورسی قبل از پذیرش در بورس بالاتر است. در عین حال توجه به سطح معناداری ارائه شده در جدول ۴، نتایج به دست آمده در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا فرضیه اول تحقیق رد می‌شود.

جدول (۴) نتایج آزمون من ویتنی در خصوص فرضیه ی اول تحقیق

آماره ی من ویتنی	۳۱۳۳
آماره ی ولیکاکسون	۷۵۰۴
آماره Z	-۱.۲۶۷
سطح معناداری	۰.۲۰۵

۴-۴- نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

جدول ۴ نتایج آزمون من ویتنی را در خصوص فرضیه دوم تحقیق نشان می‌دهد.

جدول (۵): نتایج آزمون من ویتنی

متغیر	تعداد	میانگین رتبه‌ای
شرکت‌های بورسی	۱۶۳	۱۰۷.۵۸
شرکت‌های فرابورسی	۵۶	۱۱۷.۰۴
جمع	۲۱۹	

همان طور که مشاهده می شود، نتایج بیانگر کیفیت بالاتر سود در شرکت‌های بورسی می باشد. در عین حال در این مورد نیز با توجه به معنادار نشدن نتایج (جدول ۶) در سطح معناداری ۹۵ درصد، فرضیه دوم تحقیق نیز رد می شود.

جدول (۶): نتایج آزمون من ویتنی در خصوص فرضیه دوم

۴۱۷۰	آماره من ویتنی
۱۷۵۳۶	آماره ولیکاکسون
-۰.۹۶۳	آماره Z
۰.۳۳۵	سطح معناداری

۴-۵- نتایج مقایسه شرکت‌های بورسی و فرابورسی با شرکت‌های مشمول ماده ۹۹

جدول ۷ نتایج آزمون من ویتنی را در خصوص مقایسه شرکت‌های بورسی و فرابورسی با شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ نشان می دهد.

جدول (۷): نتایج آزمون من ویتنی

متغیر	تعداد	میانگین رتبه‌ای
شرکت‌های بورسی و فرابورسی	۳۸۸	۲۶۰.۷۹
شرکت‌های مشمول ماده ۹۹	۱۲۷	۲۴۹.۴۸
جمع	۵۱۵	

همان طور که ملاحظه می گردد میانگین رتبه ای بیانگر کیفیت بالاتر گزارشگری سود در شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ می باشد. در عین حال نتایج به دست آمده در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار نیست.

جدول (۸): نتایج آزمون من ویتنی

۲۳۵۵۶	آماره من ویتنی
۳۱۶۸۴	آماره ولیکاکسون
-۰.۷۴۳	آماره Z
۰.۴۵۷	سطح معناداری

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق با استفاده از تئوری "رفتار فرصت طلبانه" و تئوری "تقاضا" به بررسی رفتار شرکت‌های بورسی و فرابورسی قبل و بعد از پذیرش در بورس پرداخته شد. از دیدگاه تئوری رفتار فرصت طلبانه، به دلیل فشارهای وارده به مدیریت شرکت جهت مدیریت سود شرکت قبل از پذیرش، در شرکت‌های بورسی نسبت به شرکت‌های فرابورسی، انگیزه بیشتری برای دستکاری سود وجود دارد که این امر باعث می‌شود کیفیت سود شرکت‌های بورسی قبل از پذیرش در بورس کاهش پیدا کند. از طرفی بر اساس تئوری تقاضا، پس از پذیرش و با توجه به پراکندگی مالکیت در شرکت‌های بورسی، تقاضای بیشتری برای اطلاعات وجود دارد. این امر باعث خواهد شد تا کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی بعد از پذیرش در بورس بیشتر از شرکت‌های فرابورسی باشد.

با توجه به توضیحات ارائه شده دو فرضیه برای مقایسه کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی، قبل و بعد از واگذاری تدوین گردید. همچنین برای سنجش کیفیت گزارشگری در این تحقیق از مدل هوپ و همکاران (2013) استفاده شده است.

پیش از مقایسه میانگین کیفیت گزارشگری شرکت‌ها، نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام گرفت. نتایج به دست آمده بیانگر این امر است که داده‌های تحقیق نرمال نیستند. لذا برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون من ویتنی استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر این امر است که تفاوت معناداری بین میانگین کیفیت گزارشگری شرکت‌های بورسی و فرابورسی، قبل و بعد از واگذاری وجود ندارد. لذا فرضیات تحقیق پذیرفته نمی‌شود. همچنین در این تحقیق مقایسه‌ای بین کیفیت گزارشگری شرکت‌های مشمول ماده ۹۹ و شرکت‌های بورسی و فرابورسی انجام گرفت. نتایج به دست آمده بیانگر این امر است که تفاوت معناداری بین کیفیت گزارشگری این دو گروه از شرکت‌ها وجود ندارد. این نتایج بر خلاف نتایج به دست آمده توسط رحمانی و غلامزاده (۱۳۸۸) می‌باشد. آنها نشان دادند محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌ها پس از درج نام آنها در فهرست شرکت‌های بورسی کاهش می‌یابد که این کاهش محافظه‌کاری به مثابه کاهش کیفیت گزارشگری مالی آنها می‌باشد. همچنین نتایج به دست آمده بر خلاف نتایج هوپ و همکاران (۲۰۱۳) می‌باشد. آنها نشان دادند که مدیران شرکت‌هایی که در معرض فشارهای بازار سرمایه برای برآورده نمودن پیش‌بینی‌های سود هستند و همچنین پاداش آنها بر اساس عملکردشان در بازار سهام می‌باشد، انگیزه بالایی برای اقدامات دستکاری کننده سود داشته و کیفیت اقلام تعهدی این شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه عمده عوامل مؤثر بر کاهش کیفیت گزارشگری مالی را می‌توان با تلاش‌های مدیریت سود مرتبط دانست و مدیریت سود نیز عمدتاً از دو روش تعدیل در تفسیر استانداردها و داده‌های حسابداری و تعدیل در زمانبندی یا ساختار معاملات بهره می‌گیرد و از طرفی موفقیت عمده شرکت‌ها در انجام مدیریت سود به نحوه تعامل آنان با حسابرسان در راستای توجیه تعدیلات مذکور بستگی دارد و با توجه به اینکه الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس در این خصوص، انجام حسابرسی توسط مؤسسات معتمد بورس و وضع مقررات نسبتاً سختگیرانه برای این دسته از مؤسسات می‌باشد می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که راه برای تعامل شرکت‌های بورسی و فرابورسی با مؤسسات حسابرسی در جهت انجام مدیریت سود و کاهش کیفیت گزارشگری مالی بسته شده است. این موضوع در خصوص شرکت‌های اخراج شده از بازار بورس و فرابورس نیز صادق است. بطوریکه می‌توان گفت شرکت‌هایی با وضعیت نامناسب سودآوری و نقدینگی با توجه به الزامات موجود کیفیت گزارشگری متفاوتی با سایر شرکت‌ها ندارند.

منابع و مأخذ

۱. تقفی، علی و عرب مازار یزدی، مصطفی. (۱۳۸۹) "کیفیت گزارشگری ماملی و ناکارایی سرمایه گذاری" مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره چهارم، ص ۱ - ۲۰.
۲. رحمانی، علی و غلام زاده، مسعود. (۱۳۸۸) "مالکیت عمومی در بازار سرمایه و محافظه کاری در گزارشگری مالی" تحقیقات حسابداری، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۱۱۲ تا ۱۲۹.
۳. سجادی، حسین. جعفری، علیرضا. (۱۳۸۸) "ویژگی های غیر مالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۴، ص ۲۳-۴۱.
۴. فخاری، حسین و تقوی، سیدروح اله. (۱۳۸۸) "کیفیت اقلام تعهدی و مانده وجه نقد". بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، صفحه ۶۹ تا ۸۴.
۵. مدرس، احمد و حصارزاده، رضا. (۱۳۸۷) "کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه گذاری" فصلنامه بورس اوراق بهادار " سال: ۱، شماره: ۲، ص ۸۵ تا ۱۱۶.
6. Ball, R., and L. Shivakumar. 2006. The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research* 44(2): 207-242.
7. Chen, F., O.-K. Hope, Q. Li, and X. Wang. 2011. Financial reporting quality and investment efficiency of private firms in emerging markets. *The Accounting Review* 86(4): 1255-1288.
8. Dechow, P., and I. Dichev. 2002. The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review* 77(Supplement): 35-59.
9. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. 2005. The market pricing of accrual quality. *Journal of Accounting and Economics* 39(2): 295-327.
10. Givoly, D., C. Hayn, and S. P. Katz. 2010. Does public ownership of equity improve earnings quality? *The Accounting Review* 85(1): 195-225.
11. Graham, J. R., C. R. Harvey, and S. Rajgopal. 2005. The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics* 40(3-1): 3-73.
12. Hendriksen, E. S. & Van Breda, M. F. (2001). "Accounting Theory", 5th International ed., New York, NY: McGraw-Hill, Irwin.
13. Hope, Ole-Kristian; Thomas, Wayne B.; Vyas, Dushyantkumar. *Accounting Review*. Sep2013, Vol. 88 Issue 5, p1715-1742.